

مقدمه

آنچه بنظر تان میرسد " طرح برنامه و اساسنامه اتحادیه میهنی کردستان " (عراق) میباشد . " اتحادیه میهنی کردستان " (عراق) یک جبهه ملی متشکل از گرایشهای گوناگون ایدئولوژیک و سیاسی است که در بین کردهای عراق فعالیت میکند . این اتحادیه بدنبال شکست خیانت آمیز بارزانی در مارس ۱۹۷۵ ، در تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۵ تاسیس شد و درست یکسال بعد عملیات مسلحانه را بر علیه فاشیست های بعثی بغداد آغاز کرد .

قبل از تاسیس اتحادیه میهنی کردستان ، رهبری جنبش کردهای عراق در دست ملامصطفی بارزانی بود . بارزانی از لحاظ داخلی بر روی شریک ترین فئودالها ،

مرتجعترین و فرصت طلب ترین عناصر سیاسی و همچنین نظامیان دست راستی و سوداگر جنگ تکیه داشت. از لحاظ خارجی هم بطور دربست وابسته به شاه و ساواک، صیهونیست‌های اسرائیل و "سیا"ی امریکا بود. دستگاه رهبری او از یکطرف به غارت و رشوه‌خواری و جریمه گرفتن و زورگوئی مشغول بود و از طرف دیگر تعلیمات نژادپرستانه آریائی را اشاعه میداد.

مهمترین عامل خارجی که امکان میداد این رهبری عقب مانده و عشائری، فاسد، فریبکار و وابسته به شاه و امپریالیسم در جنبش کردستان عراق دوام آورد، وحشیگری و نژادپرستی بیحد و حصر فاشیست‌های بعثی عراق بود. آنها چنان سبانه‌تصمیم بنا بودی و بمباران و هتک ناموس و شرافت ملی خلق کرد در کردستان عراق گرفته بودند که برای مردم راهی جز پناه بردن بدستگاه بارزانی باقی نمی ماند.

بالاخره توافق شاه - صدام حسین در ۶ مارس ۱۹۷۵ در الجزیره براین مرحله از مبارزات خلق کرد در عراق نقطه پایان گذاشت.

بارزانی چنان به شاه وابسته بود که حاضر شد
یکمرتبه دست از مقاومت در برابر یورش بعثی ها بکشد و
خلق را رها کند و خود و خانواده و اطرافیانش راهی ایران
شوند. او بعداً " از ایران رهسپار واشنگتن شد .

حقیقت اینست که او خلق کرد را حتی بحال
خود رها نکرد، بلکه خائنانه امکان مقاومت پس از فرار
خودش را هم از آنها سلب نمود .

باین ترتیب که بفرماندهان نظامی و رزمندگان
دستور عدم مقاومت داد و حتی فرمان داد تمام انبارهای
اسلحه و مهمات را که امکان حملشان بداخل ایران نبود،
منهدم کنند .

باری درچنین شرایط آشفتگی و سرگردانی و
سرخوردگی روحی بود که " اتحادیه میهنی کردستان "
(عراق) برای ادامه مبارزه تاسیس شد تاکنون هم دست
از مبارزه سیاسی و نظامی در راه هدفهای خود برنداشته است .
در رابطه با نوشته‌ای که میخوانید توضیح دو تکه
ضروری بنظر میرسد :

۱- مطالب این نوشته طرح برنامه و اساسنامه

اتحادیه است که بعدها تغییراتی در آن داده شده است .

۲- انتشار این نوشته برای آشنائی افکار عمومی

مردم ایران به اهداف اتحادیه میهنی کردستان (عراق)

است که اینروزها برسرزبانها افتاده و الزاما بمعنی تائید

تمام مطالب آن ازطرف انتشار دهندگان نمیشد .

گذشته ازاین درمورد هر سازمان ، حزب یا جبهه‌ای

عملکرد مشخص برنامه‌ها ملاک اصلی قضاوت میباشد نه

اعلام این برنامه‌ها .

امیداست که انتشاراتی از این نوع ، ابهاماتی را که

درمورد این اتحادیه درایران وجود دارد تا اندازه‌ای

روشن نماید .

طرح

برنامه و اساسنامه داخلی

اتحادیه میهنی کردستان

(الف) مقدمه

خلق کرد از قدیمی ترین خلقهای ساکن خاور میانه است.

هزاران سال است که در دل کوهها، دشتهای
ومیهن خویش کردستان با خلقهای دیگر همسایه‌اش در
دوستی زیسته و در ایجاد تمدن ایرانی و اسلامی - عربی
و در غنا بخشیدن به افکار، فرهنگ ادبیات و در تبلیغ
روحیه برادری و دوستی در میان خلقهای خاور سهیم بوده
است. کردها در عین میهن دوستی و آزادی طلبی از خود
گذشته و هم‌رزم خلقهای خاور بوده و علیه اشغالگران، دشمنان
امپریالیستی و ارتجاع مبارزه نموده‌اند. شاید قهرمان
نامدار صلاح‌الدین ایوبی که سپاه اسلامی کرد و عرب را
در سد کردن حمله صلیبی‌ها رهبری میکرد و فرمانروای عادل
کریم خان زند در ایران بهترین مثال این مدعا باشد.

عجیب نیست که برادری در عمق تاریخ مشترک

خلق ما وخلقهای که در طول صدها سال در صلح و صفا با هم زیسته‌اند ریشه دوانده باشد. حتی زهر طبقات استثمارگرو زهر استثمار طبقاتی و محرومیت از حقوق ملی و دمکراتیک و انسانی را که طبقات فئودالی و بورژوازی شوونیستی ملیتهای حاکم به گوی خلقها ریخته‌اند نتوانسته‌این برادری را از بین برده و خنثی نماید. خصلت استثمارگرانه طبقاتی آنان که در مکیدن خون رنجبران ملت‌های خودشان تبلور مییابد از خصلت شوونیسم خصمانه‌شان در برابر خلق‌های تحت ستم‌واز جمله خلق کرد جدا نیست.

پس از شکست امپراطوری ساسانی در اواسط سده ی هفتم میلادی کردستان به جزئی از امپراطوری اسلامی درآمد و پس از متلاشی شدن آن کردستان به چند امیرنشین کرد مستقل تقسیم شد که بعدها اکثر این امیرنشینها زیر پرچم دولت عثمانی و دولت صفوی ایرانی قرار گرفتند و در قراردادای که پس از جنگ چالدران (۱۵۱۴ میلادی) منعقد شد این امیرنشینها رسماً " بین این دو دولت تقسیم شدند .

عثمانیها و صفویها پس از این قرار داد کم کم برای از بین بردن امیرنشینان کرد به تفرقه افتاده و برای آنکه

کردستان را به زیر سیطره خود درآوردند از هیچ زور و ستم حيله ونيرنگ وسركوبى مضايقه نكردند . خلق كرد دستخوش انواع ستم مى ، قيدوبند تسلط بيگانه ، غارت ثروت سرزمينش ، باج وماليات سپاه گيرى وجنگهاى توسعه طلبانه اين دو دولت گشت . كردستان در قرن نوزده به ميدان زور آزمائى سخت وخونين نيروهاى اشغالگرفوى و عثمانى ونيروى كرد كه از ميهن خود دفاع مينمود و عليه ظلم و ستم وبخاطر آزادى وزندگى سرفراز مقاومت مينمود تبديل گرديد .
درمیان شعلهء اين خيزشهاى مسلحانه و خونين ،

آن عواملى كه مليت را بوجود مىآورند و در كردستان نيز

وجود داشتند ، در بوته مليت كرد قوام گرفت . رشد تدريجى

مناسبات سرمايه دارى تجارى - توليد كالائى گسترش خريد وفروش ، آمد و رفت كاروانهاى بازرگانى به كردستان ، اشتغال تعداد زيادى از دامداران و مالكان زمين به امر تجارت ، پيوستن كردستان به بازار سرمايه دارى جهانى و گسترش

جنبش‌رهای بخش‌واستقلال طلبانه‌درمیان ملت‌های‌همسایه
موجب‌آن شد که‌ملت کرد به‌مفهوم جدید مانند یک پدیده
اجتماعی تاریخی و عینی در ربع آخر قرن نوزدهم چون
عکس‌العملی دربرابر اشغالگران بیگانه و ستم ملی و جنبش
رهای بخش خلق کرد (کردایتی) بمثابة جنبش خلق ستم
دیده‌ای که از حق تعیین سرنوشت خویش محروم مانده‌پدید
آید .

از این جنبش آزادیخواهان چندین گروه و دسته‌سیاسی
فرهنگی و حزبی پدید آمد و در اواخر سده گذشته یک روزنامه
سیاسی به زبان کردی همچون نماینده افکار ملی که در سابق در
قالب اشعار ملی و آوازه‌های حماسی در وصف کرد و کردستان
و آزادی و وحدت انعکاس مییافت منتشر گشت .

بدین ترتیب با پدیدار شدن شفق قرن بیستم ستاره
جنبش آزادیخواهان خلق کرد درخشیدن گرفت تا در آسمان
کردستان پرتو آگاهی ملی آزادیخواهان را بیفکند . جنبشی
که در آغاز خواست تحقق خودمختاری خلق کرد را برای
رهانیدن او از ظلم و ستم ملی به میان کشید .

جنبش ملی کرد از ابتداء سمت همکاری و وحدت

مبارزه‌جویانه بانبروهای مترقی ایران و ترکیه که بخاطر تحقق مشروطیت و اصلاحات نوین مبارزه میکردند به امید اینکه در چهارچوب این مبارزه خلق کرد نیز حقوق خود را بدست آورد روانه شد. بدین جهت کردهای آگاه در انقلاب عثمانی در ترکیه و در انقلاب مشروطیت ایران بخاطر تعیین مرزی برای جلوگیری از ظلم و ستم طبقات حاکم و گذاردن پایه های حکومت بر اساس چند اصل قانونی جدید که حقوق دمکراتیک و از آنجمله (عدم تمرکز سیاسی) را برای اهالی تامین نماید شرکت نمودند.

ولی در هر دو انقلاب طبقه بورژوازی تجاری نیروی رهبری کننده بود - که از لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ضعیف بود و در دوران امپریالیسم و دوران سرمایه داری مالی امپریالیستی ظهور کرده بود. یعنی در دورانی که بورژوازی دیگر قادر نبود انقلاب دمکراتیک را عمیقاً رهبری نماید

وظائف انقلاب و از آنجمله حق تعیین سرنوشت و حتی حق خود مختاری را برای خلقهای ستمدیده تامین نماید اینگونه نیروها استثمارگر و شوونیست هستند بدین

جهت است که با رشد جنبشها حق خلقهای ستمدیده را پایمال و به دشمنی با جنبشهای آزاد یخواهانان شان بر میخیزند . همه اینها جنبش ملی کرد را بر آن داشت تا صفوف خود را در تشکلهای و احزاب ویژه کردستانی (بخصوص در داخل دولت عثمانی) بخاطر تحقق آرمانهایش یعنی علیه هر دو کشور اشغالگرو غاصب متشکل نماید .

رهبری جنبش ملی کرد (که از مردمان متشخص منورالفکر و رؤءسای طریقتهای مذهبی رؤءسای عشایرو برخی افسران و افراد با سواد کرد) تشکیل شده بود توجه خود را به دولتهای بزرگ دشمن دولت عثمانی جهت کسب کمک برای رسیدن به آرمانهای ملی خلق کرد معطوف داشت ولی ناامید شد و به آرزوهایش نرسید زیرا این دولتها تصمیم گرفته بودند امپراطوری عثمانی را بین خود تقسیم نمایند و حقوق ملیتهای زیر دست و از جمله حق ملیت کرد را برای خود غصب نمایند . هدف مداخله این دول در مسئله کرد سوء استفاده از آن برای تحقق اهداف امپریالیستی و منحرف کردن آن از خط مشی مبارزه انقلابی پیروزمند بود . اما بزودی جنبش ملی کرد از نو مبارزه مسلحانه

را آغاز نمود:

– علیه امپریالیسم بریتانیا در کردستان جنوبی
– علیه دولت کمالی که پس از پیروزی عهد شکنی
کرده تمام وعده و وعیدهای شیرین سابق خود را که در مورد
خود مختاری و حق فدرایتو در چارچوب جمهوری ترکیه به
کردها داده بود فراموش کرد.

– علیه رژیم ارتجاعی و وابسته به انگلیس ایران.
نقشه‌های پلیدی را که امپریالیسم و دولتهای ارتجاعی
منطقه برای تقسیم کردستان و بهاسارت درآوردن خلق آن
و غصب حقوق ملی و دمکراتیکش ریخته بودند به اجرا گذاشتند.
خلق کرد در مقابل این توطئه‌ها مقاومت نمود و در سرتاسر
کردستان چندین بار دست به انقلاب زد بدون آنکه پیروزی
بدست آورد.

عوامل مهم شکست انقلابهای کرد عبارتند از:

۱- از آنجائیکه رهبری جنبش کرد خصلتی مذهبی
و عشیره‌ای داشت نتوانست خلق کرد را برانگیزد، بسیج،
سازماندهی، و رهبری کند و استراتژی صحیح و درست برای

مبارزه‌اش بریزد، بروشنی دشمن دوست، نیروی عمده و پیشرو متحدین در انقلاب رهائی بخش خلقمان را تعیین نماید و با تاکتیک درست و خط مشی صحیح سمت ضربه اساسی را نشان دهد.

۲ بخاطر عقب ماندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کردستان، خلق ما از ضروریات اساسی پیروزی مانند وجود طبقه کارگر رشديافته، انتشار فرهنگ و آگاهی در بین صفوف خلق، وجود طبقه بورژوازی نیرومند و انقلابی و وجود زمینه اجتماعی، اقتصادی که زیر بنای بوجود آمدن یک جامعه سیاسی مستقل میباشد محروم بود.

۳- بعلت نبودن سازمان پیشرو انقلابی با تجربه جبهه واحد وسیع و ارتش رهائی بخش نوین خلق، انقلاب های کرد به عشایر و قبائل و اسلوب عشایری و عقب افتاده اتکاء میکردند. همچنین رهبران‌ش از شیوه نوین جنگ پارتیزانی آگاهی نداشتند.

۴- همکاری کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی اشغالگر سرزمین کردستان علیه انقلابهای کرد و محروم بودن خلق ما از پشتیبانی قابل انتظار و ضروری انترناسیونالیستی.

۵- خیانت طبقه فئودال و بورژوازی کسموپولتیک کرد
وابسته به امپریالیسم به انقلاب کرد و مقابله با آن با دست
یازی بهر وسیله ممکن .
چنین اند بعضی از عوامل مهم شکست انقلابهای کرد که باید
بررسی نمود و از تجربیات آن درس گرفت و استراتژی اتحادیه
میهنی کردستان را بر اساس آن ریخت .
تجربیات یک قرن جنبش ملی رهایی بخش خلق کرد حقایق
زیر را برای چندمین بار اثبات میکند :

۱- رهبری عشایری و بورژوازی راست همیشه بصورتی
شرم آور در رهبری جنبش کرد به سوی پیروزی ، شکست خورده
و همیشه برای معامله و سوداگری و ارتباط با امپریالیست و
ارتجاع و پشت کردن به انقلاب و فرار از میدان مبارزه
هنگامیکه آژیر کار انقلابی ، متکی به نیروی خلق بصدا درمیآید
آماده بوده است . آنها بنا بر ماهیت طبقاتی شان و با طیب
خاطر خود را به دامان امپریالیسم میاندازند و قادر نخواهند
بود توده های مردم را برانگیخته و بسیج نمایند و جنگ
طولانی خلق را بر پا سازند .

۲- امپریالیسم جهانی و در راس آنان امپریالیسم آمریکا دشمن خونخوار خلق کرد و خلقهای خاور هستند و نباید به وعده و وعیدشان باور کرد. کوشش آنان برای نزدیک شدن به خلقمان و دلجوئی از آن نقشه پلیدی است برای از هم پاشاندن جنبش آزادیبخش و متلاشی کردن و ایجاد انحراف در آن تا جنبش نتواند دوست را از دشمن تمیز دهد. سعی آنان سوء استفاده از مسئله عادلانه کرد بخاطر تحقق اهداف پلید و امپریالیستی شان میباشد. چیزی که بر سر رهبری عشایری انقلاب کردستان در سال ۱۹۷۵ آمد. ایجاد تماس با نیروهای امپریالیستی و یا خود را به آنان وابستن موجب سقوط به پرتگاه خیانت ملی میشود.

۳- حکومتهای اشغالگر کردستان که منافع بورژوازی کمپرادور و بوروکرات و زمینداران را نمایندگی میکنند. ارگانهای سرکوب ارتجاعی و دشمن توده های ستمدیده و ملیتهای خودی و خلق کرد میباشد. طبقه بورژوازی ملیتها ی حاکم حتی بورژوازی ملی آنها به حق مشروع خلق کرد در تعیین سرنوشت خویش اقرار نمیکند. بلکه بنا بر ماهیت شوونیستی خویش در برابر آن ایستادگی میکنند. نمونه

بورژوازی کمالیست در ترکیه و بورژوازی بوروکرات در عراق که بر علیه خلق کرد روشهای فاشیستی بکار بردند این امر را به ثبوت رساند .

۴- در این دوران که دوران اضمحلال امپریالیسم و پیروزی سوسیالیسم و رهائی خلقهاست انقلاب ملی کرد به انقلاب آزادیبخش و دمکراتیک نوین تبدیل شده است . تنها حزب انقلابی ای میتواند نقش پیشرو را ایفاء نماید ، که استراتژی صحیح و مناسبی برای مبارزه داشته باشد توده های وسیع به آن اعتماد کنند ، جبهه واحد و وسیع ملی و مبارزه مسلحانه را رهبری کند ، پرچم آزادی و وحدت ملی را برافرازد و بانیره های مترقی ، عرب ، ایران ، ترکیه بصورت عام و توده های ستمدیده و زحمتکشان آن کشورها بطور خاص ونیره های انقلابی جهان - جنبش آزادیبخش خلقهای جهان سوم ، طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و کشورهای سوسیالیستی- متحد شود . راه آزادی و دمکراسی و تحقق حقوق ملی عبارت است از مبارزه انقلابی توده ها متکی به نیروی خلاق خویش و پیوند این مبارزه با همه نیرو های مترقی و انقلابی عرب در عراق برای به پیروزی رساندن

انقلاب ملی دمکراتیک و اجرای تمامی وظائف آن نهران افراد
طلبی ملی یا اتکاء به نیروی بیگانه .

اتحادیه میهنی کردستان پس از شکست مفتضحانه
رهبری عشایری و سرفرود آوردنش در برابر امپریالیسم امریکا
و شوونیستهای عرب و فارس آنهایی که (شاه - صدام حسین)
قرارداد الجزایر را برای پایان بخشیدن به انقلاب کرد
ترتیب دادند از واقعیت جامعه کردستان بوجود آمد .

اتحادیه میهنی کردستان تشکیل شد تا عکس العملی انقلابی
و ملی باشد در مقابل این توطئه امپریالیستی که رهبری
عشایری علاوه بر اینکه خود تسلیم آن شد هر نوع مکرو حیل
ای را هم بکار برد تا آنرا به خلقمان نیز تحمیل کند در
این رابطه منتهای سوء استفاده از حسن نیت و خوش باوری
پیشمرگهای قهرمان و اعتمادشان نسبت به رهبری نمود و
با وعده های فریبنده و همچنین ایجاد محیط ترس و وحشت
و تردید آنان را مجبور ساخت تا نقشه عقب نشینی دسته
جمعی را به طرف ایران پذیرفته و از مبارزه مسلحانه دست
بردارند . اتحادیه میهنی کردستان بخاطر این بوجود آمد
که صفوف جنبش آزادبخش خلق کرد را بر اساس چند اصل

واقعی نوین که با شرایط اجتماعی خلق کرد برای بسیج نیرو
های انقلاب کرد و برانگیختن شور و شوق مردم براساس
تعیین استراتژی صحیحی که در پرتو حقایقی که از واقعیت‌های
زیر سرچشمه گرفته است سازماندهی نماید :

— جامعه کردستان جامع‌های است اشغالی و نیمه
فئودالی ، کشاورزی بخش مهم اقتصاد آنرا تشکیل می‌دهد .
— امپریالیسم و طبقات بورژوازی بوروکرات و کمپرادور
و زمینداران متفقین امپریالیسم آمریکا هستند که حقوق ملی
خلق کرد را غصب کرده‌اند که این نیروها — فئودالیسم ،
و مناسبات عشایری ، بورژوازی کمپرادور و کسموپولیتک را
برای دشمنی کردن و ایجاد موانع در راه رشد اجتماعی
خلقمان بکار می‌گیرند .

از این رو دو تضاد اساسی موجود در کردستان عبارتند

از :

— تضاد بین خلقمان و استثمارگران و غاصبان حقوق
ملی و دمکراتیک آن .

— تضاد بین توده‌های خلقمان و فئودالیسم و بورژوازی
کمپرادور و کسموپولیتک سوداگر و مناسبات کهنه و فرتوت

عشایری .

تضاد اول تضاد اساسی و عمده است .

بدین ترتیب دو وظیفه اساسی در برابر خلقمان قرار

دارد :

اول- نابودی امپریالیسم طبقات بورژوازی بروکراتیک کمپرادور
وزمیندار حاکم و سلب کنندگان حقوق ملی خلقمان و روی
کار آوردن قدرتی مترقی و ائتلافی .

دوم - ریشه کن کردن فئودالیسم و مناسبات عشایری در
کردستان و اجرای اصلاحات ارضی ریشه ای .

این دووظیفه بطور ارگانیک باهم پیوند داشته و از یکدیگر
جدائی ناپذیرند . تحقق این دووظیفه تحولات عمیق و اساسی
در کردستان بوجود میآورد و چنان ماهیت انقلابی ای به آن
میبخشد که فقط از طریق مبارزه انقلابی توده ها امکان پذیر است
این دووظیفه انقلابی است که ماهیت ملی و دمکراتیک انقلاب
کرد را تعیین میکند .

انقلاب ملی است به مفهوم آزادیخواهان آن

و دمکراتیک است به معنای نوین آن

پس بنابراین انقلابمان هم آزادیبخش ملی و هم

دمکراتیک نوین است . دو جنبش انقلابی در آن جمع شده است که بصورتی ارگانیک و جدائی ناپذیر بهم وابسته اند . و این دو : انقلاب آزادیبخش ملی و انقلاب ارضی اند که اگر یکی را از دیگری جدا کنیم موجب شکست انقلاب خواهد شد .

اما این دو انقلاب همواره پا بپای یکدیگر و در یک سطح به پیش نمیروند . امپریالیسم و طبقات استثمارگر حاکم دشمنان عمده و شماره یک و خطرناک ترندواز بین بردنشان راه تحقق آزادیهای دمکراتیک و تحقق اصلاحات ارضی و روی کار آوردن قدرتی ملی و مترقی و تحقق وظائف دیگر دمکراتیک را هموار میسازد . بنابراین ضروری است وظیفه مبارزه علیه فئودالیسم ، بورژوازی کمپرادور و کسموپولتیک بومی را در امر خدمت به مبارزه علیه امپریالیسم و طبقات ارتجاعی حاکم قرار دهیم . از آنجائیکه اهداف ملی و دمکراتیک انقلاب کرد در عراق بدون انجام این دو وظیفه مهم تحقق نمیپذیرد انقلاب باید به انقلاب سراسری عراق "انقلاب کرد و عرب و همه هم میهنان ترکمان و آسوری و دیگران" تبدیل گردد . یعنی حل دمکراتیک مسئله کرد در چهارچوب حل وظایف

انقلاب دمکراتیک ملی عراق امکان پذیر است .

بعلت اهمیت ویژه این دووظیفه آزادیبخش و دمکراتیک و بعلت اینکه بر اساس قانون عام تنها این خود خلق است که خود را آزاد میسازد باید تمام نیروهای میهن پرست و همه طبقات میهنی خلق در یک جبهه آزادیبخش وسیع جمع شوند که اساس آنرا وحدت کارگران و دهقانان تشکیل دهد که اکثریت خلق را شامل میشوند و ستم ملی و استثمار طبقاتی بر دوش آنها سنگینی میکند و نیروی عمده مبارزه ملی و دمکراتیک هستند و سپس وحدت آنها با خرده بورژوازی و بورژوازی ملی مترقی شهرها بنا براین جبهه ملی مترقی از وحدت این چهار طبقه میهنی تشکیل میشود . لذا وظیفه مرکزی مبارزه مان عبارتست از :

— آگاه کردن و سازماندهی طبقه کارگر که شایسته ایفای

نقش پیشرو است .

— برانگیختن وسیع توده های دهقانی و تقویت وحدت

شان با کارگران ، زیرا دهقانان نیروی عمده انقلاب اند .

بدون شرکت فعالانه آنان در انقلاب ملی و دمکراتیک انقلاب

پیروز نمیشود .

— تحقق وحدت این دو طبقه با خرده بورژوازی و بورژوازی ملی مترقی شهرها در شکل اتحادیه ای میهنی که تدریجا "بسوی جبهه واحد ملی حقیقی رشد کند .
برای رسیدن به اهداف بالا و پیروزی در انقلاب ملی

و دمکراتیک باید به ضروریات زیرین دست یافت :

۱- نیرومند کردن توسعه و رشد اتحادیه میهنی کردستان از طریق برانگیختن توده های خلق و سازماندهی شان زیر پرچم آن و ایجاد شور و شوق در جنبش و تشکل دادن تدریجی گرایشات مترقی گوناگون در سازمانهای ویژه خودشان زیر پرچم جبهه واحد ملی ایده آل . این یک وظیفه تشکیلاتی و مبارزه جویانه مهمی است که بدون آن نه انقلاب کرد احیاء شده و به انقلاب عراق تبدیل میشود و نه حزب پیشرو که از پیوند جنبش انقلابی توده های خلق با ایدئولوژی سوسیالیسم علمی بوجود میاید متولد میشود .

۲- مبارزه در راه تسریع تولد حزب پیشرو انقلابی که بتواند نقش پیشرو را در جنبش آزادیبخش و انقلاب ایفاء نماید .

۳- تحقق هم‌رزمی با نیروهای مترقی عرب - بویژه نیروهائی که توده های ستمدیده و استثمار شونده عرب را نمایندگی میکنند از طریق عراقی کردن انقلاب کرد و ایجاد جبههء واحد مبارز که بخاطر تحقق وظائف ملی و دمکراتیک انقلاب کرد و عرب و سایر هم میهنان عراق مبارزه کند .

۴- گسترش نیروهای مسلح پیشمرگهء کردستان و تبدیل آن به چنان نیروئی که بتواند جنگ خلق را آغاز نماید و قوانین و شیوه های نوین انقلاب و مبارزه را بیاموزد و عراقی کردن انقلاب از طریق شرکت نیروهای عرب و ترکمان و آسوری در آن و عمومیت بخشیدن به قهر انقلابی در سراسر عراق بر اساس برنامه ای واحد و اهداف و مبارزهء مشترک و رهبری عام متحد و یافتن ملزومات مادی و نظامی برای پیروزی آن .

۵- درک و شناخت ارتباط ارگانیک و عینی بخشهای مختلف جنبش ملی کرد در سراسر کردستان و تحقق هم‌رزمی ضروری در میان شان .

۶- تحقق هم‌رزمی با نیروهای مترقی و انقلابی خاورمیانه در جبهه های واحد علیه همهء اشکال امپریالیسم ، صهیونیسم

و تجاوز اسرائیل و حکومت‌های ارتجاعی و در راه آزادی ملی
و انکشاف دمکراسی .

۷- هم‌رزمی با نیروهای انقلابی جهان هر سه جزء آن :
جنبش‌های آزادیخواهانه انقلابی ، طبقه کارگر مبارز ضد
بورژوازی و دولت‌های سوسیالیستی .

(ب) برنامه

اتحادیه میهنی کردستان مبارزه میکند برای :
اول - عراقی دمکراتیک

الف - رهائی عراق از قید و بند و مناسبات نئوکلینالیسم
و رژیم دیکتاتوری ضد خلقی و برای ایجاد حکومت دمکراتیک
ائتلافی متشکل از نمایندگان احزاب سیاسی مترقی و طبقات
خلق و ملیت‌های عمده و کوچک عراق تا کشور در زمانی کوتاه
شرایط عادی خود را باز یافته و به محیطی دمکراتیک تبدیل
گردد و تمام آزادی‌های دمکراتیک : آزادی انتخابات ، قلم و
فرهنگ ایجاد حزب ، اتحادیه ، اتحادیه دهقانان و سازمانها
ی دمکراتیک جوانان ، دانشجویان ، آموزگاران ، زنان ، حق

- تجمع، تظاهرات و اعتصاب را برای خلق تامین نماید .
- ب - تشکیل مجلس ملی از طریق انتخابات آزاد و مستقیم و با رای مخفی توده های مردم عراق برای طرح ریزی قانون اساسی کشور و پایه گذاری اساس حکومت دمکراتیک و شناسائی خودمختاری کردستان .
- ج - شرکت خلق کرد و ملیتهای کوچک در ارگانهای مرکزی به نسبت کمیت .
- د - بازگرداندن ساکنین مناطقی که بزور کوچ داده شده اند به مسکن اصلی خودشان .
- ه - آزاد کردن همه زندانیان سیاسی و برگماری مجدد تمام کسانی که بخاطر عقاید مترقی از کار اخراج شده اند به مشاغل قبلی خودشان .
- و - الغاء تمام قوانینی که بر پایه روحیه فاشیستی و عقاید ارتجاعی نهاده شده اند و لغو تمامی قراردادهای بین المللی که بر خلاف منافع خلق منعقد شده اند .
- ز - انتخاب شهرداریها و ارگانهای اداری مستقیماً " از طرف شهروندان .

دوم - کردستان خود مختار

الف - ایجاد قلمرو خود مختار کردستان از مناطق سنجار، زمار، سمیل، دھوک، شیخان، تلکلیف، بعشقیه، و استانهای اربیل، کرکوک و سلیمانیه و فرمانداریهای خانقین و مندلی .

ب - ارگانهای خودمختار جزشئون دفاع ملی و روابط خارجی و دارائی عمومی که در دست ارگانهای مرکزی خواهند بود تمام صلاحیات دیگر را دارا میباشند .

ج - ارگان خودمختار آزادیهای دمکراتیک را برای خلق تامین مینماید .

د - ساکنین کردستان از ۱۸ سال بالا از طریق رای آزاد و مخفی و مستقیم مجلس ملی خود مختار کردستان را انتخاب میکنند .

ه - مجلس ملی کردستان دستگاہی اداری برای اجرای شئون قلمرو خود مختار کردستان تعیین مینماید و حق تفویض یا سلب اعتماد به آنرا دارا میباشد .

و - نیروهای پلیس، امنیتی، مرزبانی و پیشمرگهء کردستان وابسته به دستگاہ اداری خود مختار میباشد .

ز - بودجهء قلمرو خود مختار از طریق مالیاتهای محلی و

درآمد طرحهای اقتصادی ویژه منطقه و آن بخش از بودجه عمومی عراق که بر اساس کمیت جمعیت قلمرو خود مختار به نسبت کل جمعیت عراق تعیین شده است تامین میگردد .

ح - تامین زندگی بازماندگان شهدا ، معلولین و آسیب دیدگان انقلاب و حمایت از حقوق آنان و همه آنهائی که به علت شرکت در انقلاب زیان میبینند .

ط - هر کرد میهن پرستی میتواند آزادانه به قلمرو خود مختار کردستان آمده و کار کند .

سوم - حقوق آشوریها ، ترکمانها و کلدانها

الف - برای تامین حقوق ملی و فرهنگی آشوریها ترکمانها و کلدانها در چارچوب قلمرو خود مختار کردستان آنها میباید به تناسب کمیت خویش در مجلس ملی و ارگانهای اداری نماینده داشته باشند .

ب - در مناطقی که اکثریت دارند حق بوجود آوردن ارگانهای ویژه خود اداری را دارند .

ج - همه آنهائی که از کردستان بیرون رانده شده اند حق بازگشت به منطقه کردستان را دارند .

چهارم - رشد دادن روستاها

الف - اصلاحات عمیق ارضی با تکیه به توده های دهقانی بطوریکه ریشه های مناسبات فئودالی و عشایری را کنده و زمین و آزادی را برای دهقانان تامین نموده و موجب رشد و پیشبرد روستاها و زندگی دهقانان و مکانیزه کردن کشاورزی و آبیاری گردد .

ب - ایجاد مجتمع های زراعی ، دامی و صناعی در جهت بوجود آوردن شرایط مساعد زندگی پیشرفته و مدرن از طریق ادغام روستاهای کوچک در یکدیگر یا تمرکز دادن ساکنین یک منطقه بدور پروژه ای مرکزی .

ج - بهبود شرایط زندگی گاوبانها ، چوپانان و دامپروران ، حمایت از تربیت و رشد دامها و تعیین مناطق چراگاهی ، بهبود کیفیت و ازدیاد کمیت آن ، ایجاد صنایع دامی و رشد خدمات دامپزشکی .

د - برنامه ریزی دراز مدت برای نوسازی دهات و قصبات کردستان در تطابق با نیازهای امروزه زندگی بشری . تامین مسکن برای همه اهالی مناسب با زیبائی طبیعت و آب و هوای

کردستان .

هـ - پیوند دهات و شهرهای کردستان بیکدیگر از طریق ایجاد شبکه راههای آسفالت ، راه آهن و هوایی .

پنجم - کسب و تثبیت و رشد دادن اقتصاد ملی مستقل

الف - رهائی کامل ثروت نفت عراق از دست شرکتهای امپریالیستی بصورت استخراج ، تصفیه ، حمل و فروش آن ایجاد صنایع پتروشیمی و پیروی از سیاست ملی دراز مدت در استخراج و فروش نفت بطوریکه کاملاً " بانقشه دراز مدت رشد اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در توافق باشد .

ب - ملی کردن تجارت خارجی و کنترل تجارت داخلی و رشد و تکامل مؤسسات بخش عمومی .

ج - رشد و تکامل بخش عمومی در صنایع مسکن ، تجارت و بانکها و تشویق بخش خصوصی در صنایع و پروژههای تولیدی .

د - طرح ریزی برنامه دراز مدت برای صنعتی کردن کردستان از طریق ایجاد صنایع زراعی ، دامی و رشد صنایع نفتی پتروشیمی و بهره برداری از معادن موجود برای ایجاد صنایع سنگین آنهائیکه برای رشد دادن کشور ضروری هستند .

هـ- ایجاد مجتمع های تولید انرژی برق در کنار دریاچه های
مصنوعی و آبشارهای طبیعی برای الکتریزه کردن سراسر کشور
ششم - مناسبات میهنی ، ملی و بین المللی

برای پیروزی جنبش انقلابی کردستان ، اتحادیه میهنی
کردستان در ایجاد مناسبات میهنی ، ملی و بین المللی بادر
نظر گرفتن اصل استقلال ، عدم مداخله در امور یکدیگر و تبادل
افکار و کمک متقابل مبارزه میکند برای :

الف - ایجاد وحدت در صفوف خلق کردستان عراق ، وحدت
کارگران و دهقانان ، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی مترقی ،
وحدت گروهها و گرایشهای مترقی گوناگون در یک اتحادیه
میهنی و مترقی و ضد امپریالیسم و ارتجاع ضد کوچ
دادن کردها و تعریب کردستان بخاطر تحقق اهداف انقلاب
دمکراتیک ملی .

ب - ایجاد جبههٔ متحد متشکل از تمام احزاب سازمانها ، گروهها و افراد مترقی ، دمکرات ، مارکسیست - لنینست عراق در راه سرنگون ساختن رژیم فاشیستی و روی کار آوردن حکومت دمکراتیک ائتلافی که دمکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان را تامین نماید .

ج - ایجاد همکاری فشرده با دیگر بخشهای جنبش رهائی بخش ملت کرد در سراسر کردستان در جهت کسب حق تعیین سرنوشت .

د - پیوند مبارزهٔ رهائی بخش مردم کردستان و جنبشهای بخش و انقلابی خلقهای عرب - فارس - ترک - آذری ، بلوچ و دیگر خلقها در راه شکست و بیرون راندن امپریالیسم و صهیونیسم و سرنگون ساختن رژیم های طبقات ارتجاعی منطقه ، تکامل استقلال ملی ، سیاسی و اقتصادی و رشد دمکراسی در خاور میانه .

ه - پیوند جنبش مردم کردستان با جنبشهای رهائی بخش خلقهای جهان سوم جنبش انقلابی طبقهٔ کارگر در کشورهای سرمایه داری و دولتهای سوسیالیستی .

هفتم - رشد اجتماعی

الف - زنان

۱- رهائی زنان از قید و بند ارتجاعی قرون وسطائی و تامین حقوق سیاسی، اقتصادی - اجتماعی زنان و برابری ویکسانی کامل آنان با مردان و ایجاد قوانینی که از حقوق زنان در مورد کار، تحصیل، ازدواج، طلاق و ارث حمایت نماید.

۲- تامین آزادیهای دمکراتیک برای تقویت جنبش زنان و ایجاد تحرک در آنان برای رشد دادن اجتماعی سیاسی و اقتصادی کشور.

۳- حمایت از حقوق مادران و کودکان و پرورش آنان و مراقبت از کارگران مادر.

۴- تامین کار یا حقوق بیکاری برای همه شهر وندان - زن و مرد - و تامین حقوق بازنشستگی و کهنولت برای همگان.

ب - کارگران

۱- حمایت از حقوق کارگران در شهرها و روستاها، تعیین میزان مردی که با کیفیت کار مناسب باشد به صورتیکه حداقل یک زندگی آسوده را برای آنان تامین نماید.

۲- تحدید مدت کار به هفت ساعت در روز.

۳- تامین حق ایجاد سندیکا و تقویت جنبش طبقه کارگر تا

نقش تاریخی خود را در زندگی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشور ایفاء نماید .

۴- تامین حق اعتصاب و تظاهرات

۵- بهبود شرایط کار و حمایت از کارگران بهنگام بیماری و خطرهای ناشی از کار .

ج - بهداشت

۱- ازدیاد درمانگاه و بیمارستان و بخدمت گماردن پزشکان و پزشک یاران براساس نیازمندیها و جمعیت مناطق .

۲- حفظ سلامت خلق از طریق تامین معالجه مجانی و از بین بردن امراض بومی .

۳- ایجاد مدارس و کالجهای پزشکی برای تربیت کادرهای لازم .

۴- ایجاد تفریح گاههای تابستانی و استراحت گاهها برای توده های مردم .

۵- حفاظت از نظافت محیط زیست .

هشتم - رشد آموزش و پرورش

الف - اجباری کردن آموزش در دوره ابتدائی و رایگان کردن

هزینه‌های تحصیلی در تمام دوره‌ها و ایجاد شرایط ضروری برای آنکه تمام کودکان بتوانند به موقع خود به مدرسه بروند .
ب - کردی کردن آموزش در تمام سطوح در قلمرو کردستان و حمایت از حقوق ملت‌های کوچک (آشوری - ترکمان کلدان . . .) برای آموزش به زبان خودشان .

ج - ایجاد دانشگاه‌های تربیت معلم در مناطق مختلف کردستان .
د - رشد و توسعه دانشگاه سلیمانیه بعنوان یک دانشگاه ویژه قلمرو کردستان و مربوط ساختن آن به ارگان‌های خود مختار و توجه خاص به زبان و ادبیات و تاریخ و فرهنگ کرد در این دانشگاه .

ه - آموزش زبان ادبیات و تاریخ عرب در تمام مراحل آموزشی در قلمرو کردستان و آموزش زبان و ادبیات و تاریخ کرد در سایر مناطق عراق بخاطر استحکام اخوت کرد و عرب .

و - رهائی برنامه‌های آموزشی از افکار شونیستی ارتجاعی و نادرست و تربیت دانش‌آموزان با روحیه موقی و برادری خلقها و دشمنی با امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع .

ز - ایجاد فرهنگستان علمی کرد متشکل از افراد دانشمند و متخصص و وطن پرست و اختیار دادن به آنها برای نظارت بر

بازنویسی تاریخ زبان و ادبیات و جنبش آزادیبخش مردم کردستان و همچنین برای فراهم آوردن و تثبیت اصطلاحات علمی و تعیین شیوه ای واحد برای کتابت زبان کردی .

ح - رشد اتحادیه نویسندگان کرد و انجمن روشنفکران کردو تغییر مراکز آنان به پایتخت قلمرو خود مختار و تامین آزادی عقیده ، قلم و انتخاب برای آنها .

ط - ایجاد فرستنده رادیو - و تلویزیون کردستان زیر نظر ارگانهای خود مختار .

ی - توجه به سنن ملی ، هنری و ادبی و احیاء و رشد دادن جوانب مترقی فلکلور و هنر خلق .

ک - توجه به موسیقی و آواز و ورزش و رشد دادن آنها در راه خدمت به خلق .

ل - ایجاد چاپخانه های جدید در کردستان بطوریکه بتوانند نیازمندیهای قلمرو را از طریق چاپ مطبوعات به زبانهای کردی ، آشوری و ترکمانی و پخش آنان تامین نمایند .

(ح) اساسنامه داخلی

اول - ماهیت اتحادیه میهنی کردستان

اتحادیه میهنی کردستان (ا . م . ک) عبارتست از وحدت داوطلبانه مبارزین و گروههای انقلابی کردستان در شکل جبههای که امکان همزیستی و مبارزه مشترک گرایشهای ملی ، دمکرات ، ترقی خواه و مارکسیست - لنینیست را فراهم میسازد در جهت تحقق جبهه متحد طبقات کارگر و دهقان و متحدینشان :

خرده بورژوازی و بورژوازی ملی مترقی برای نابودی نهائی امپریالیسم و دیکتاتوری ارتجاعی و صهیونیسم و فئودالیسم و سرمایه داری بوروکرات وابسته برای تحقق اهداف انقلاب دمکراتیک ملی در سراسر عراق که تامین حق خود مختاری کردستان جزئی از آن است .

خط مشی ا . م . ک مبارزه توده ای انقلابی متحد کردها ، عربها و همگی هم میهنان عراقی در چهارچوب یک جبهه متحد ملی و دمکراتیک میباشد . اتحادیه مبارزه متحد با همه بخشهای مترقی جنبش کردایتی (جنبش ملی کرد) در سراسر کردستان و نیز مبارزه مشترک با نیروهای انقلابی خاور و زحمتکشان جهان را شرطی لازم برای رسیدن به اهداف خویش میدانند .

دوم - اصول تشکیلاتی

سازماندهی ا. م . ک برپایه اصول زیر قرار دارد :

الف - مرکزیت دمکراتیک در امور عمومی و استراتژیک .

۱- ایجاد کمیته ها از طریق انتخابات با رای آزاد و مخفی
۲- آزادی ابراز عقاید ، بحث ، سؤال ، پیشنهاد ، انتقاد
از خود و از همه ارگانها و مواضع و اعضاء در چهارچوب
تشکیلات .

۳- تبعیت ارگانهای پائین از ارگانهای بالا ، اقلیت از اکثریت ،
سراسر تشکیلات از ارگان مرکزی .

ب - عدم مرکزیت در امور ویژه و تاکتیکی

۱- طرح ریزی و اتخاذ تدابیر درست و موافق با شرایط بر

اساس استراتژی و سیاست عمومی اتحادیه .

۲- آزادی در قبول اعضاء ایجاد سازمان و ارگانهای جدید
و توسعه تشکیلات در خارج از مرز جغرافیائی و اداری منطقه محل
فعالیت خویش .

۳- تصمیم گیری از طریق رهبری جمعی و ماموریت دادن و

تقسیم مسئولیت فردی بهنگام اجرای تصمیمات .

۴- حفظ وحدت اهداف ، افکار ، اعمال و خواست مشترک
تشکیلات .

سوم - عضویت

- الف - هر هم میهن کردستان زن و مرد بدون در نظر گرفتن مذهب ، نژاد ، زبان ، موقعیت اجتماعی و جهان نگریش میتواند عضو ا . م . ک . شود بشرطی که :
- ۱- دارای افکار مترقی باشد ، ضد امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع باشد . طرفدار مبارزات رهائی بخش خلقها باشد به نیروی لایزال خلق و به درستی راه و محقانه بودن آن و پیروزی آن اعتقاد داشته باشد .
 - ۲- دارای پرستیژ خوب ، اخلاق و کردار خوب باشد ، گذشته کثیف نداشته باشد و در بین مردم منفور نباشد . به علت دزدی یا آزار و اذیت خلق یا عضویت در سازمانهای ضد خلقی و همکاری با آنان بدنام نباشد .
 - ۳- اهداف ، افکار ، خط مشی و اصول ا . م . ک . را درک کرده و به آنان معتقد باشد و بخاطر تحقق آنها حاضر به مبارزه و فداکاری باشد .

ب- هر عضو ا. م. ک. موظف است که :

۱- همکاری ، همفکری ، وحدت اراده و اسرار تشکیلات را حفظ نماید .

۲- آنگونه که ارگانهای رهبری تعیین مینمایند باید بخشی از درآمد خود را به عنوان حق عضویت به تشکیلات بدهد و بطور منظم با یکی از سازمانهای اتحادیه درارتباط باشد .

۳- نسبت به اتحادیه صادق و وفادار باشد . حقیقت را پنهان نکند منافع خلق و اتحادیه را بر منافع شخصی ترجیح دهد .

۴- به خلق خدمت کند . به میان آنها برود با آنها پیوند برقرار کند ، مشکلات نظرات و خواستههایشان را جمع بندی کرده و به اتحادیه برساند .

ج- هر عضو ا. م. ک. حق دارد که :

۱- در چهارچوب تشکیلات درمنتهای آزادی از همه ارگانها ، مواضع ، سیاستها و اعضاء انتقاد نماید .

توضیح بخواهد . سؤال نماید و پیشنهاد نماید .

۲- اگر ارگانهای پائین نسبت به مطالب او بی توجهی نمودند شکایت خود را به ارگان مرکزی برساند .

۳- در صورت احتیاج تقاضای کمک کند .

۴- بهنگام دستگیری، اختفا و یا به کادر حرفه ای و پیشمرگه تبدیل شدن، زندگیش تامین شود در صورت نقص عضو، کهولت و شهادت از خانواده اش مواظبت شود.

۵- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشد.

د- از آنجائیکه در مرحله فعلی سازمانهای اتحادیه در امور داخلی سازمان از اصل عدم مرکزیت پیروی میکنند، هر ارگان مستقل صلاحیت دارد که:

۱- هر فردی را که دارای معیارهای عضویت باشد به عضویت قبول نماید.

۲- هر عضوی را مجازات کند معلق سازد یا اخراج نماید در صورتیکه:

الف - یکی از شرایط عضویت را از دست دهد.

ب - وظائف و تعهدات عضویت را اجراء ننماید.

ج - از عضویت در اتحادیه بمنظور خواست و منافع شخصی خود استفاده کند.

چهارم - عضویت غیر مستقیم عضویت وابسته

هر سازمان، دستگاه و گروه سیاسی، اجتماعی، حرفه‌ای

سندیکائی و فرهنگی میتواند بعنوان سازمان باگرایش مستقلی
داخل ا. م. ک. شود بشرطی که :

الف - برنامه و اساسنامه داخلی و سیاست عمومی ا. م. ک.
را بپذیرد .

ب - برنامه و اساسنامه داخلی اش با برنامه و اساسنامه
داخلی اتحادیه در تضاد نباشد .

ج - طبق خط مشی سیاسی و نظامی اتحادیه مبارزه کند.
و در مقابل میتواند :

الف - برنامه و اساسنامه و تشکیلات مستقل خود را حفظ
نماید . و در کارهای خویش از اصل عدم مرکزیت پیروی نماید

ب - در ارگان مرکزی ا. م. ک. نماینده داشته باشد و به
تمام کنفرانسها و جلسات عمومی بر طبق کمیت ووزنه اجتماعی
خویش نماینده بفرستد .

ج - اعضایش بطور غیر مستقیم عضو ا. م. ک. بشوند .

پنجم - شکل سازماندهی

الف - حوزه : حوزه پایه اساسی تشکیلات و رگ و ریشه

ا. م. ک. در میان توده های خلق میباشد برای :

- ۱- تبلیغ و پخش نظرات و انتشارات اتحادیه .
- ۲- ایجاد ارتباط با توده های خلق و اطلاع از مشکلات نیازمندیها و خواستههایشان ، آموزش به خلق و آموختن از آن ، جمع آوری اخبار و اطلاعات و گزارش آن به اتحادیه .
- ۳- جلب و قبول سمپاتیزان ها ، دوستان و اعضاء جدید به اتحادیه .
- ۴- حوزه از سه تا ۷ نفر طبق تصمیم کمیته صلاحیت دار تشکیل میشود .
- ۵- تشکیل جلسات منظم برای ارتقاء سطح آگاهی سیاسی خود ، بررسی امور اتحادیه و تعیین تدابیر صحیح برای انجام کارها و اجرای دستورات .
- ب- بخش : بخاطر حفظ تشکیلات و بعلت پراکنده بودن مبارزین و همچنین جوان بودن اتحادیه تشکیلات آن موقتا" بشکل بخشهای جداگانه بهم وصل میشوند .
- ۱- بخش از چند حوزه تشکیل شده است که بر طبق اصل عدم مرکزیت فعالیت میکند .
- ۲- در یک منطقه امکان دارد که چند بخش مستقل و جدا از یکدیگر وجود داشته باشد .

۴- بخش مستقیماً " با ارگان مرکزی یا کمیته صلاحیت دار مربوط میشود .

۵- هر تشکلی که به اتحادیه ملحق شود مانند یک بخش مستقل با آن برخورد خواهد شد .

ج- ارگان مرکزی : هیئت مؤسس بجای ارگان مرکزی مسئولیت سیاسی ، نظامی ، تعیین نقشه و سیاست عام اتحادیه ، انتشار و پخش ارگان و سایر نشریات مرکزی را تا موقع تشکیل کنگره یا جلسه وسیع نمایندگان تشکیلاتهای اتحادیه بعهده دارد .

د- کنگره : هیئت مؤسس در نزدیکترین زمانی که برایش میسر باشد کنگره اول اتحادیه را با شرکت نمایندگان همه سازمانهای اتحادیه تشکیل میدهد .

ششم - مالی

داریائی ا . م . گ . تشکیل میشود از :

الف- حق عضویت

ب- کمک و اعانه دوستان ، طرفداران و اعضاء .

ج- بهای انتشارات اتحادیه .

د- طرحهایی که بمنظور درآمد مالی ریخته میشوند .

- هـ - دستاوردها و غنائم از دشمن .
- و - کمک دوستان و متحدین اتحادیه .

* * * *

* * *

* *

*

سپتامبر ۱۹۷۶

هله و النامه ی کتیب